

تداوم تردیدها درباره ایمنی اپلیکشن Recall مایکروسافت

مایکروسافت اعلام کرداب Recallکه هر چندثانیه اسکرین شاتی ازنمایشگر دستگاهثبت وذخیره می‌کندایمن است، اما محققان امنیتی مرتباً خلاف این امر را نشان می‌دهند.
اپ Recall ابتدا به‌عنوان یک حافظه فوتوگرافیک معرفی شده بود که از تمام کارهایی که کاربران ویندوز در رایانه‌شان انجام می‌دهند، عکس می‌گیرد. اعضای منتخب برنامه انحصاری ویندوز اینسایدر مایکروسافت بیش از یک‌سال است به Recall دسترسی دارند

کسب‌وکارهای مجازی نیازمند کوچ داخلی

در گفت‌وگو با دکتر قجری مطرح شد؛ پلتفرم‌های داخلی تنها زمانی انتخاب اول کاربران خواهد بود که از نظر کیفیت، قیمت و امنیت توان رقابت داشته باشند



در ماه‌ها و سال‌های اخیر به‌خصوص جنگ رمضان، همزمان با بروز برخی محدودیت‌ها در دسترسی به اینترنت بین‌الملل، وضعیت کسب‌وکارهای آنلاین و استارت‌آپ‌ها به یکی از دغدغه‌های اصلی اقتصاد دیجیتال کشور تبدیل شده است. از یک سو، حاکمیت براساس دکترین امنیت ملی ملاحظات خاصی خود را دارد و از سوی دیگر، صدها هزار کسب‌وکار خرد و کلان که معیشت خانواده‌های بسیاری به آنها گره خورده، در جست‌وجوی بستری پایدار برای ادامه حیات اقتصادی خود هستند. در این میان، بحث شبکه‌های ملی اطلاعات و ظرفیت‌های داخلی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. برای بررسی دقیق‌تر این موضوع، چالش‌های زیرساختی و راهکارهای برون‌رفت از وضعیت فعلی، گفت‌وگویی تفصیلی با دکتر علی قجری، استاد دانشگاه و کارشناس ارشد فضای مجازی و سواد رسانه‌ای ترتیب داده‌ایم که مشروح آن در ادامه از نظر می‌گذرد.



بسیاری از کسب‌وکارهای آنلاین در جریان محدودیت‌های اینترنتی متحمل ضررهای سنگین اقتصادی شدند. در نقطه مقابل، استدلال نهاد‌های تصمیم‌گیر این است که دولت به دلیل امنیت ملی ناگزیر از اعمال این محدودیت‌ها بوده است. پرسش بنیادین این است که آیا کسب‌وکارها اساساً می‌توانستند برای جلوگیری از این آسیب‌ها، از ظرفیت شبکه‌های داخلی استفاده کنند؟

نکته‌ای که مطرح می‌کنید، واجد دو وجه کاملاً درست و قابل اعتناست. از یک سو، حاکمیت و دولت در برخی شرایط خاص و بحرانی، به‌ویژه با استناد به ملاحظات میانیت از امنیت ملی، ناگزیر است در زیرساخت‌های ارتباطی نوعی «تنظیم‌گری» اعمال کند. حال چه نام آن را محدودیت بگذاریم و چه اعمال حاکمیت. از سوی دیگر، کسب‌وکارها نیز با توجه به سرمایه‌گذاری‌ها و هزینه‌هایی که متقبل می‌شوند (به‌خصوص هزینه‌های مالیاتی) و همچنین تعهدی که نسبت به ذی‌نفعان

اما کارشناسان از زمان آغاز فعالیت آن بارها نشان داده‌اند که‌رها می‌توانند به داده‌های ذخیره‌شده Recall دسترسی پیدا کنند. این وضعیت باعث ایجاد عدم اطمینان در مورد برنامه‌های مایکروسافت برای در دسترس قرار دادن گسترده‌تر Recall در همه رایانه‌های شخصی می‌شود. محققان دانشگاه پنسیلوانیا در آوریل ۲۰۲۵ میلادی اعلام کردند‌آپ مذکور چالش‌های امنیتی، حقوقی و حریم خصوصی مهم و غیرقابل قبولی ایجاد تعداد دقیق شاغلان ثابت و فریلنسرها در این کسب‌وکارها کاملاً مشخص نیست (زیرا بسیاری در قالب استارت‌آپ فعالیت می‌کنند و الزام ساختار کلاسیک بیمه و ثبت رسمی ندارند، اما همین عدد یک‌میلیون، خود نشان‌دهنده عظمت و گستردگی موضوع است. این حوزه باید بسیار جدی‌تر دیده می‌شد تا در بزنگاه‌های حساس این‌قدر آسیب‌پذیر نباشیم. همان‌طور که شبکه انرژی کشور را در برابر حملات و صدمات مقاوم کرده‌ایم، باید درباره زیرساخت ارتباطی هم تدابیر مشابهی اتخاذ می‌شد. به اعتقاد من، کوتاهی دولت‌های مختلف و برخی نهاد‌های بالادستی (نظیر شورای عالی فضای مجازی و حتی مجلس) در این است که اهمیت و حیثیتی بودن این موضوع را هم‌تراز با شبکه‌های حیاتی مانند برق، آب یا گاز ندیده‌اند. اختصاص داده‌ایم و نه برای نه بودجه کافی و متناسبی به آن

فضای مجازی و حتی مجلس) در این است که اهمیت و حیثیتی بودن این موضوع را هم‌تراز با شبکه‌های حیاتی مانند برق، آب یا گاز ندیده‌اند. اختصاص داده‌ایم و نه برای «ترک فعل» در این حوزه سازوکار حقوقی و نظارتی جدی تعریف شده است، تا زمانی که زیرساخت ارتباطی فضای آنلاین در تراز «برق، آب و گاز» جدی گرفته نشود، تکرار این وضعیت دور از انتظار نخواهد بود. در این راستا، سه محور اساسی برای هدایت کسب‌وکارها به سمت شبکه‌های داخلی مطرح است: نخست آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی اصولی به کسب‌وکارها، دوم تخصیص

زیرساخت‌های ارتباطی ما، به‌خصوص در لایه‌های پردازشی، سرورها و خدمات پس‌زمینه، هنوز فاصله معناداری با استانداردهای جهانی دارند. از طرف دیگر، باید به این نکته استراتژیک توجه داشت که همین زیرساخت‌های داخلی نیز برای عملکرد بهینه باید به شبکه‌های جهانی متصل باشند اما به دلیل تحریم‌های ظالمانه و محدودیت‌های بین‌المللی که علیه کشور اعمال شده است، زمانی که یک کسب‌وکار می‌خواهد منحصر به زیرساخت داخلی تکیه کند، با موانع و محدودیت‌های جدی در حوزه تجارت بین‌الملل و ارتباطات فرامرزی مواجه می‌شود. در عمل، این شرایط باعث شده بسیاری از کسب‌وکارها ناگزیر باشند به‌طور همزمان دو سناریو را پیش ببرند؛ هم پلن داخلی و هم پلن خارجی. بدیهی است این دوگانگی، هزینه‌های عملیاتی و پیچیدگی‌های فنی آنها را به شدت افزایش می‌دهد.

به نظر من، هر دوسوی این ماجرا (یعنی کنگشگر دولتی و کنگشگر بخش واقعی اقتصاد یا همان کسب‌وکارها) نیازمند عزمی جدی هستند؛ هرچند کفه مسئولیت دولت به‌مراتب سنگین‌تر است. اگر دولت بتواند سرویس خوب، باکیفیت و با قیمت تمام‌شده اقتصادی ارائه کند، اساساً نیازی به اجبار و اعمال قدرت برای سوق دادن کسب‌وکارها به سمت زیرساخت داخلی نخواهد بود. کسب‌وکار که منطق سود و زیان بر آن حاکم است، خود به‌خود سراغ سرویسی خواهد رفت که بهره‌وری بالاتری داشته باشد. ما در بسیاری از صنایع دیگر کشور نیز همین تجربه را داشته‌ایم. در حوزه‌هایی که کالای ایرانی واقعاً باکیفیت تولید شده و در دسترس قرار گرفته است، مردم هم ترجیح داده‌اند از آن استفاده کنند. بنابراین پرسش کلیدی این است: آیا ما موفق شده‌ایم زیرساخت داخلی و اجرای شبکه ملی اطلاعات را در قالب یک «محصول باکیفیت و با قیمت رقابتی» به بازار عرضه کنیم یا خیر؟ اگر پاسخ مثبت بود اما مصرف‌کننده داخلی از آن استقبال نمی‌کرد، آن‌گاه باید دنبال واگوی علل رفتار مصرف‌کننده می‌رفتیم. اما در واقعیت امروز، چه در سطح کاربری عمومی و

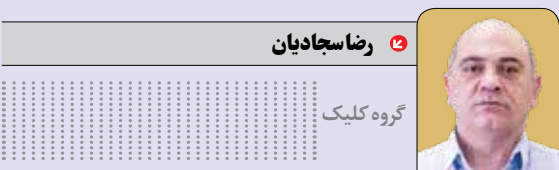
می‌کند. در ادامه از مدیرانی که از محیط‌های ویندوز در دانشگاه پنسیلوانیا استفاده می‌کردند، اکیداً درخواست شده بود Recall را غیرفعال کنند. مایکروسافت در واکنش به این انتقادات برخی برنامه‌هایش برای راه‌اندازی این آپ در ویندوز ۱۱ مخصوص بی‌سی‌رایه تمویق انداخت. این شرکت اعلام کردآپ مذکور فقط برای دسته‌ای از شرکت‌کنندگان در برنامه Windows Insider ارائه می‌شود.



نیستند. زیرساخت‌های ارتباطی ما، به‌خصوص در لایه‌های پردازشی، سرورها و خدمات پس‌زمینه، هنوز فاصله معناداری با استانداردهای جهانی دارند. از طرف دیگر، باید به این نکته استراتژیک توجه داشت که همین زیرساخت‌های داخلی نیز برای عملکرد بهینه باید به شبکه‌های جهانی متصل باشند اما به دلیل تحریم‌های ظالمانه و محدودیت‌های بین‌المللی که علیه کشور اعمال شده است، زمانی که یک کسب‌وکار می‌خواهد منحصر به زیرساخت داخلی تکیه کند، با موانع و محدودیت‌های جدی در حوزه تجارت بین‌الملل و ارتباطات فرامرزی مواجه می‌شود. در عمل، این شرایط باعث شده بسیاری از کسب‌وکارها ناگزیر باشند به‌طور همزمان دو سناریو را پیش ببرند؛ هم پلن داخلی و هم پلن خارجی. بدیهی است این دوگانگی، هزینه‌های عملیاتی و پیچیدگی‌های فنی آنها را به شدت افزایش می‌دهد. به نظر من، هر دوسوی این ماجرا (یعنی کنگشگر دولتی و کنگشگر بخش واقعی اقتصاد یا همان کسب‌وکارها) نیازمند عزمی جدی هستند؛ هرچند کفه مسئولیت دولت به‌مراتب سنگین‌تر است. اگر دولت بتواند سرویس خوب، باکیفیت و با قیمت تمام‌شده اقتصادی ارائه کند، اساساً نیازی به اجبار و اعمال قدرت برای سوق دادن کسب‌وکارها به سمت زیرساخت داخلی نخواهد بود. کسب‌وکار که منطق سود و زیان بر آن حاکم است، خود به‌خود سراغ سرویسی خواهد رفت که بهره‌وری بالاتری داشته باشد. ما در بسیاری از صنایع دیگر کشور نیز همین تجربه را داشته‌ایم. در حوزه‌هایی که کالای ایرانی واقعاً باکیفیت تولید شده و در دسترس قرار گرفته است، مردم هم ترجیح داده‌اند از آن استفاده کنند. بنابراین پرسش کلیدی این است: آیا ما موفق شده‌ایم زیرساخت داخلی و اجرای شبکه ملی اطلاعات را در قالب یک «محصول باکیفیت و با قیمت رقابتی» به بازار عرضه کنیم یا خیر؟ اگر پاسخ مثبت بود اما مصرف‌کننده داخلی از آن استقبال نمی‌کرد، آن‌گاه باید دنبال واگوی علل رفتار مصرف‌کننده می‌رفتیم. اما در واقعیت امروز، چه در سطح کاربری عمومی و

Claude؛ مودب‌ترین هوش مصنوعی دنیا

روایتی از رقیب سرسخت چت‌جی‌پی‌تی که حاضر است یک کتاب ۵۰۰ صفحه‌ای را در ۳۰ ثانیه خلاصه کند اما پشت سد تحریم‌ها گرفتار شده است



در دنیای هوش مصنوعی کمتر کسی است که این روزها نام «چت‌جی‌بی‌تی» را نشنیده باشد اما در پشت صحنه این هیاهو، موجودی آرام، باریک‌بین و عجیب خوش‌برخورد دارد قد علم می‌کند؛ موجودی به اسم «کلود» (Claude). شاید تا همین چند وقت پیش تنها برنامه‌نویس‌ها و فناوری‌بازهای حرفه‌ای اسمش را شنیده بودند اما حالا کلود به ستاره جدید سرمایه‌گذاری‌ها تبدیل شده. سوال اینجاست؛ این کلود چه دارد که چت‌جی‌بی‌تی ندارد و مهم‌تر از آن، مادر ایران چه نسبتی با او داریم؟

کلود از کجا آمد؛ قصه یک انشعاب بزرگ

سال ۲۰۲۱ بود که جمعی از مهندسان ارشد اوپن‌ای‌آی (سازنده چت‌جی‌بی‌تی) از شرکت جدا شدند. دلیل‌شان ساده بود: آنها معتقد بودند هوش مصنوعی خیلی سریع و بی‌بابطه در حال پیشرفت است. «داریم بمبی می‌سازیم که نمی‌دانیم کی منفجر می‌شود»؛ این حرف یکی از بنیانگذاران انتروپیک (داریو آمودی) بود.

آنها شرکت جدیدی به نام «انتروپیک» (Anthropic) تأسیس کردند. واژه Anthropic ریشه یونانی دارد و به معنی «انسانی» است. تمرکزشان را گذاشتند روی «ایمنی»، «شفافیت» و «اخلاق». حاصل این خروج بزرگ، متولد شد: کلود. اسمی که به گفته خودشان الهام‌گرفته از کلود مونه، نقاش امپرسیونیست فرانسوی است؛ هنرمندی که آرامش و ظرافت را به تصویر می‌کشید. از همان ابتدا، کلود با یک وعده بزرگ با په میدان گذاشت: «من هرگز دروغ نمی‌گویم و اگر چیزی را ندانم، صادقانه می‌گویم نمی‌دانم.»

چرا کلود از رقبا جلوتر می‌زند؟

برای این‌که تفاوت را حس کنید، یک آزمایش ساده انجام دهید. به چت‌جی‌بی‌تی یک رمان ۴۰۰ صفحه‌ای بدهید تا خلاصه کند. احتمالاً بعد از صفحه ۵۰، یادش می‌رود اول داستان چه بوده اما کلود می‌تواند در یک نگاه،

کل کتاب «هزار و یک شب» را پردازش کند. بله، کل ۱۰۰۱ شب را.

راز این توانایی چیزی است به نام «پنجره زمینه ۲۰۰ هزار توکنی». توکن یعنی کوچک‌ترین واحد متن. ۲۰۰ هزار توکن یعنی حدود ۱۵۰ هزار کلمه انگلیسی یا معادل ۵۰۰ صفحه کتاب. این یعنی یک پژوهشگر می‌تواند ۱۰ مقاله علمی را یکجا به کلود بدهد و از او بخواهد نقاط اشتراک و اختلاف‌شان را در یک جدول تحویل دهد. یا یک وکیل می‌تواند کل محتوات یک پرونده قضایی را در چند ثانیه تحلیل کند.

به گزارش تک‌کراچ، در پنجمارک‌های رسمی، کلود ۳.۵ سونت (Sonnet) در درک مطلب متن‌های طولانی و کدنویسی از GPT-4 سبقت گرفته است. جالب‌تر این‌که در آزمون‌های ریاضی و منطقی هم عملکردش به مراتب پایدارتر است.

اتاق فکر اخلاقی

اما چیزی که کلود را واقعاً خاص می‌کند، یک ابتکار عجیب به نام «هوش مصنوعی مشروطه» (Constitutional AI) است. توضیح ساده‌اش: به کلود یک «قانون اساسی» اخلاقی داده‌اند. مثلاً به او گفته‌اند: «هرگز تبعیض قائل نشو». «هرگز اطلاعات نادرست نده». «هرگز به کاربر برای خودکشی یا آسیب زدن کمک نکن» و مهم‌تر از همه: «اگر بین مفید بودن و درست بودن یکی را باید انتخاب کنی، درست بودن را انتخاب کن».

نتیجه این قانون اساسی رفتاری است که کاربران حرفه‌ای از آن به عنوان «مودب‌ترین چت‌بات دنیا» یاد می‌کنند. اگر سوال توهین‌آمیزی بپرسید، کلود اول تذکر می‌دهد. اگر مطلب حساسی بخواهید، پیشاپیش هشدار می‌دهد. اگر اشتباه کند، راحت و بی‌حاشیه عذرخواهی می‌کند. این برای خیلی از کاربران که از پاسخ‌های گزنده یا طعنه‌آمیز چت‌بات‌های دیگر خسته شده‌اند، یک موهبت است.

یک روز با کلود در کنار یک کاربر ایرانی

هرچند دسترسی مستقیم به کلود از ایران ممکن نیست اما گفت‌وگو با چند برنامه‌نویس و مترجم ایرانی که از طریق سرورهای خارجی با کلود کار می‌کنند، تصویر جالبی به دست می‌دهد.

یکی از این کاربران گفت: «من برای ترجمه متون فلسفی از کلود استفاده

(چندوجهی) خطرات امنیتی را افزایش می‌دهد. بنابراین فعال‌عمداً از این کار اجتناب کرده.

آینده کلود در جهان و ایران

انتروپیک به تاگی اعلام کرده که مشغول توسعه کلود ۴ است. انتظار می‌رود این نسخه پنجره زمینه را به یک میلیون توکن برساند (یعنی معادل خواندن کل سه‌گانه «بازی تاج و تخت» در یک نوبت). همچنین قابلیت «یادآوری بلندمدت» به آن اضافه می‌شود. یعنی کلود از ماه‌ها قبل مکالمه شما را به‌خاطر می‌آورد.

در ایران اما اوضاع پیچیده‌تر است. برخی شرکت‌های داخلی روی مدل‌های متن باز مشابه کلود مثل Llama 3 (متا) و Mistral کار می‌کنند. یکی از استارت‌آپ‌های ایرانی موفق شده مدلی با قابلیت پنجره ۱۲۸ هزار توکنی بسازد که هنوز به پای کلود نمی‌رسد اما نویدبخش است.

به نظر می‌رسد راهی طولانی در پیش است. تا آن روز کاربر ایرانی یا باید سراغ جایگزین‌های محدودتر برود، یا از روش‌های غیرمستقیم و ناپایدار استفاده کند. کلود به ما می‌بخشد می‌زند اما از پشت یک دیوار بلند.

نقطه تلاقی با ایران؛ تحریم، ممنوعیت و پنجره‌های بسته

و اما خبر تلخ: کلود مثل بسیاری از سرویس‌های هوش مصنوعی آمریکایی، به کاربران ایرانی خدمات نمی‌دهد. وب‌سایت کلود (claude.ai) از داخل ایران بدون فیلترشکن باز نمی‌شود. حتی با فیلترشکن، اغلب هنگام ثبت‌نام نیاز به شماره تلفن آمریکایی یا اروپایی دارید. نسخه رایگان محدود است و نسخه حرفه‌ای (Claude Pro) ماهانه ۲۰ دلار هزینه دارد که نیازمند کارت اعتباری بین‌المللی است.

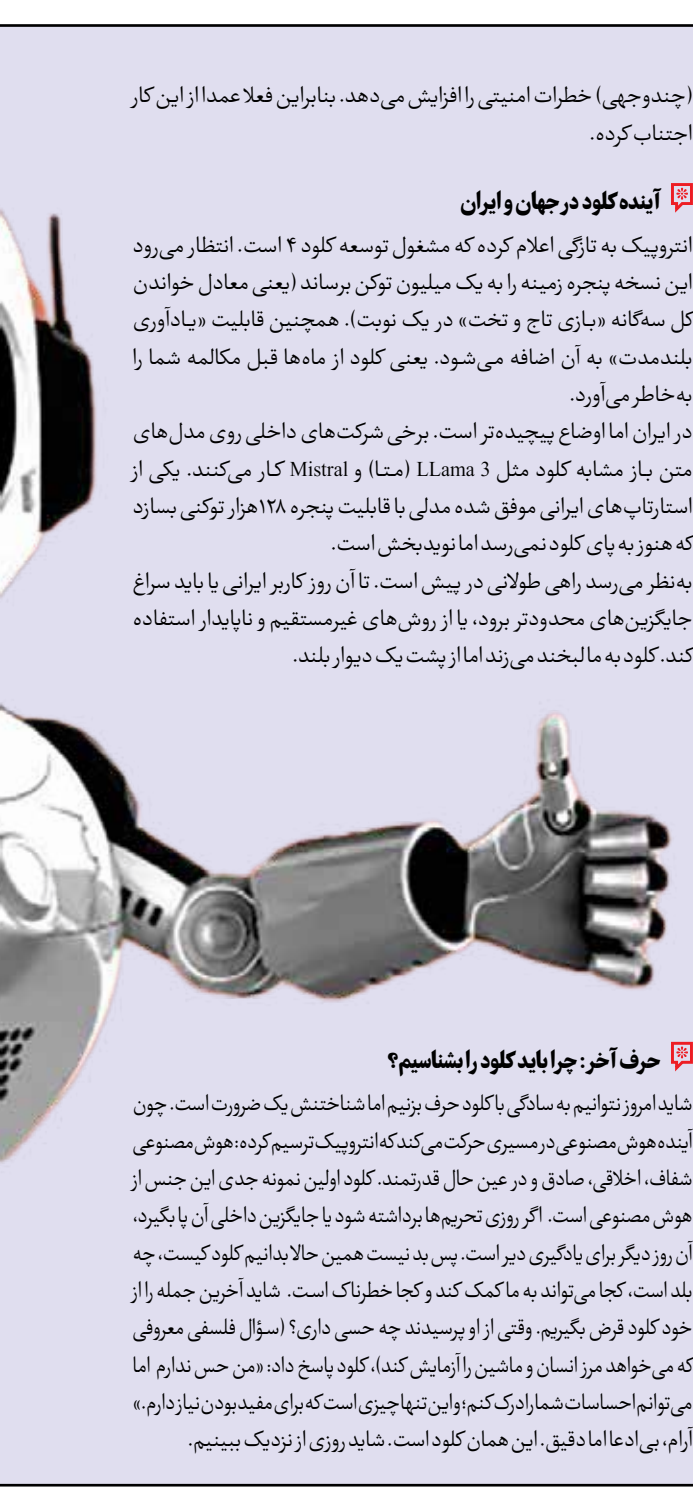
این یعنی یک شکاف دیجیتال جدید. در حالی که دانشجویان و پژوهشگران در کشورهای همسایه مثل ترکیه، امارات و حتی پاکستان به راحتی از کلود استفاده می‌کنند، کاربر ایرانی از این ابزار قدرتمند محروم است. برخی شرکت‌های دانش‌بنیان داخلی با استفاده از API‌های واسط یا سرورهای اروپایی راه‌های جایگزین پیدا کرده‌اند اما این راه‌ها همیشه پایدار نبوده و گاه با قطعی یا اختلال همراه است.

یک کارشناس فناوری گفت: «مهم‌ترین ضرر تحریم‌های هوش مصنوعی، عقب افتادن از روند جهانی یادگیری ماشین است. در حالی که دانشجویی هندی با کلود یک پایان‌نامه ۴۰۰ صفحه‌ای را در یک روز تحلیل می‌کند، دانشجوی ایرانی باید هفته‌ها وقت بگذارد. این فقط تحریم سخت‌افزاری نیست. تحریم دانش است.»

اما یک نکته مهم: کلود برخلاف GPT قابلیت تولید تصویر ندارد. فقط متن، کد و تحلیل داده. انتروپیک معتقد است افزودن قابلیت چندرسانه‌ای



هستند؛ هرچند کفه مسئولیت دولت به‌مراتب سنگین‌تر است. اگر دولت بتواند سرویس خوب، باکیفیت و با قیمت تمام‌شده اقتصادی ارائه کند، اساساً نیازی به اجبار و اعمال قدرت برای سوق دادن کسب‌وکارها به سمت زیرساخت داخلی نخواهد بود. کسب‌وکار که منطق سود و زیان بر آن حاکم است، خود به‌خود سراغ سرویسی خواهد رفت که بهره‌وری بالاتری داشته باشد. ما در بسیاری از صنایع دیگر کشور نیز همین تجربه را داشته‌ایم. در حوزه‌هایی که کالای ایرانی واقعاً باکیفیت تولید شده و در دسترس قرار گرفته است، مردم هم ترجیح داده‌اند از آن استفاده کنند. بنابراین پرسش کلیدی این است: آیا ما موفق شده‌ایم زیرساخت داخلی و اجرای شبکه ملی اطلاعات را در قالب یک «محصول باکیفیت و با قیمت رقابتی» به بازار عرضه کنیم یا خیر؟ اگر پاسخ مثبت بود اما مصرف‌کننده داخلی از آن استقبال نمی‌کرد، آن‌گاه باید دنبال واگوی علل رفتار مصرف‌کننده می‌رفتیم. اما در واقعیت امروز، چه در سطح کاربری عمومی و





سگی که به ما خندید

سفری به دوران طلایی بازی‌های ویدئویی با مرور نوستالژی Duck Hunt

چشمان تان را ببندید و به چنددهه قبل سفر کنید؛ به روزهایی که تلویزیون‌های لامپی سنگین و بزرگ، نقطه مرکزی اتاق نشیمن بودند. یک کنسول بازی نینتندو (NES) یا همان میکروی خودمان با رنگ‌های خاکستری و سفیدش زیر تلویزیون جا خوش کرده و یک تفنگ پلاستیکی با سیم بلندی به آن متصل است. نیازی به دسته‌های پیچیده امروزی نیست؛ تنها چیزی که نیاز دارید دقت، سرعت عمل و تحمل خنده‌های تمسخرآمیز یک سگ شکاری است! بازی شکار مرغابی یا همان Duck Hunt، محصول سال ۱۹۸۴ شرکت نینتندو، تنها یک بازی ویدئویی نبود؛ بلکه یک پدیده فرهنگی و یک تجربه جمعی برای نسلی بود که تازه با جادوی سرگرمی‌های دیجیتال آشنا می‌شدند. امروز قصد داریم از نگاهی ژورنالیستی و به دور از پیچیدگی‌های فنی، این شاهکار نوستالژیک را مرور کنیم.

🎯 **جادوی پنهان در یک تفنگ بلاستیک**

برای مخاطب امروزی که باهدست‌های واقعیت‌مجازی (VR) و گرافیک‌های خیره‌کننده سه‌بعدی احاطه شده، شاید درک شگفتی بازی Duck Hunt کمی دشوار باشد اما در دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی، دردت‌گرفتن تفنگ نوری نینتندو (NES Zapper) شبیه به دردست داشتن یک چوب جادو بود. چگونه یک تفنگ پلاستیکی می‌توانست هدف را روی صفحه تلویزیون تشخیص دهد؟ مکانیزم آن برای زمان خود بسیار هوشمندانه بود. وقتی بازیکن ماشه را می‌کشید، صفحه تلویزیون برای کسری از ثانیه (معادل یک فریم) کاملاً سیاه می‌شد و تنها کار کوچکی به شکل مریعی سفیدرنگ در اطراف مرغابی‌ها ظاهر می‌گشت. سنسور نوری داخل لوله تفنگ، این نور سفید را تشخیص می‌داد و اگر لوله دقیقاً به سمت آن مربع سفید نشانه رفته بود، بازی آن را به عنوان یک شلیک موفق ثبت می‌کرد. این فرایند چنان سریع رخ می‌داد که چشم انسان تنها یک فلاش نوری کوتاه را احساس می‌کرد. این تکنولوژی ساده، پایه‌گذار تعامل فیزیکی در بازی‌های ویدئویی شد که سال‌ها بعد در کنسول‌هایی مانند Nintendo Wii به اوج خود رسید.

🎮 **گیم‌پلی ساده، سریع و اعتیادآور**

یکی از بزرگ‌ترین نقاط قوت Duck Hunt، سادگی بی‌نظیر آن بود. این بازی نیازی به آموزش طولانی، حفظ‌کردن دکمه‌ها یا خواندن متن‌های پیچیده نداشت. به همین دلیل، از کودکان خردسال تا پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها می‌توانستند به راحتی با آن ارتباط برقرار کنند. بازی دارای سه حالت اصلی بود:

- حالت اول (یک مرغابی): در هر نوبت یک مرغابی از میان علفزارها به پرواز درمی‌آمد و شما سه تیر برای شکار آن داشتید.
- حالت دوم (دو مرغابی): چالش اصلی اینجا آغاز می‌شد؛ جایی که دو مرغابی به‌طور همزمان پرواز می‌کردند و شما باید با همان سه تیر، هر دو را شکار می‌کردید.
- حالت سوم (تیراندازی به اهداف گلی): در این حالت مرغابی‌ها جای خود را به شقایق‌های برتاب‌شونده‌ای (Clay Shooting) می‌دادند که شکارشان نیازمند دقت و زمان‌بندی بسیار بالاتری بود. با پیشروی در مراحل (راندها)، سرعت پرواز مرغابی‌ها و حرکات زیگزاگی آنها به شدت افزایش می‌یافت و بازی که در ابتدا آرام و ساده به نظر می‌رسید، به چالشی برای آزمایش رفلکس‌های عصبی تبدیل می‌شد.

🐦 **آن سگ شکاری روی اعصاب!**

div>

نمی‌توان از Duck Hunt نوشت و به مشهورترین (و منفورترین!) شخصیت آن اشاره نکرد. سگ شکاری بی‌نام این بازی، در ابتدای هر مرحله با اشتیاق در علفزارها بو می‌کشید و به داخل بوته‌ها می‌پرید تا مرغابی‌ها را فراری دهد. اگر شلیک شما موفقیت‌آمیز بود، او با خوشحالی مرغابی شکارشده را در دست می‌گرفت و به شما نشان می‌داد اما وای به روزی که هر سه تیر شما به خطا می‌رفت! صفحه نمایش به رنگ صورتی ملایمی درمی‌آمد، سگ از میان علف‌ها بیرون می‌پرید و با حالتی تمسخرآمیز به شما می‌خندید. این خنده بیپیکسلی با آن موسیقی هشت‌بیتی همراهش، چنان تأثیر روانی عمیقی داشت که تقریباً تمام بازیکنان تاریخ این بازی، حداقل یک‌بار از روی حرص به سمت خود سگ شلیک کرده‌اند (که البته در نسخه اصلی بازی هیچ تأثیری نداشت!) این طراحی هوشمندانه، یک لایه احساسی به بازی اضافه کرد و باعث شد Duck Hunt برای همیشه در حافظه جمعی گیرهاحک شود.



است. یک توافق بالقوه گام دیگری در تلاش گسترده‌تر پنتاگون برای ادغام هوش مصنوعی در عملیات خود خواهد بود، زیرا دولت آمریکا به دنبال بهبود کارایی، کاهش هزینه‌ها و تسریع تصمیم‌گیری در سیستم‌های اداری و دفاعی است. این توافق رابطه گوگل با دولت آمریکا را عمیق‌تر می‌کند و موقعیت آن را در بازار رقابتی خدمات هوش مصنوعی دفاعی و بخش عمومی تقویت می‌کند.

اقدامات حفاظتی برای محدودکردن نحوه استفاده از هوش مصنوعی خود از جمله محدودیت‌هایی در زمینه نظارت جمعی داخلی و سیستم‌های تسلیحات خودمختار بدون نظارت انسانی مناسب را پیشنهاد کرده است. این مذاکرات نشان‌دهنده فشار فزاینده بر شرکت‌های بزرگ فناوری آمریکا برای ایجاد تعادل بین قراردادهای سودآور دولتی و نگرانی‌های اخلاقی و امنیتی پیرامون استقرار هوش مصنوعی پیشرفته کس از زیرساخت داخلی استفاده نمی‌کند، مقصر است یا به او برچسب‌های مختلف بزنیم. این مسأله، یک پدیده چندعاملی است که اضلاع آن شامل «کیفیت خدمات و محصولات داخلی»، «قیمت تمام‌شده برای کسب‌وکار» و البته «جنگ روانی و تبلیغات سوء خارجی» می‌شود. همه این متغیرها باید در یک منظومه جامع دیده شوند.

با این وجود، نکته حائز اهمیت آن است که کم‌لطفی اصلی در این زمینه از سوی سیاست‌گذاران داخلی رخ داده. همان‌طور که در شرایط خاص اقتصادی برای افشار آسیب‌پذیر بسته‌های معیشتی تعریف می‌کنیم، یا در نظام بانکی برای حمایت از تولیدکنندگان مهلت بازپرداخت اقساط را تمدید کرده و برای چک‌های برگشتی ارفاق‌هایی قائل می‌شویم، می‌بایست متناسب با وضعیت ویژه زیرساخت اینترنت و محدودیت‌های اعمال‌شده، برای کسب‌وکارهای آنلاین نیز سازوکار حمایتی واقعی و عملیاتی تعریف می‌شد. متأسفانه در حوزه زیرساخت آنلاین، بیشتر با شعار درمانی و تبلیغات مواجه بوده‌ایم. بارها در تریبون‌های مختلف مطرح شده که برای فعالان فضای مجازی و کسب‌وکارهای آنلاین، تسهیلات و یارانه در نظر گرفته خواهد شد اما تجربیات ماه‌های اخیر نشان داد در عمل هیچ اتفاق ملموس و راهگشایی برای بخش بزرگی از این کسب‌وکارها نیفتاده است.

🔗 **با این اوصاف، وضعیت استارت‌آپ‌ها و کسب‌وکارهای خرد آنلاین را که تاب‌آوری**

کمتری دارند چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا نظام

حمایتی فعلی توانسته به عنوان یک چتر حمایتی عمل کند؟ برای تحلیل دقیق این موضوع ابتدا باید ماهیت این کسب‌وکارها را بشناسیم. این کسب‌وکارها مشابه یک کارخانه عظیم صنعتی نیستند که دارای زمین، ماشین‌آلات سنگین و خطوط اعتباری کلان بانکی باشند. اکثریت قریب به اتفاق استارت‌آپ‌ها و کسب‌وکارهای خرد، تیم‌های یک‌نفره، دونفره یا سه‌نفره‌ای هستند که عملاً تمام بار معیشت یک خانواده را به دوش می‌کشند. در ماه‌های اخیر، با بروز اختلالات مداوم در اینترنت، شریان حیاتی این کسب‌وکارها دچار نوسان و اختلال جدی شده است.

ما خانواده‌های بسیاری را می‌شناسیم که تنها با مدیریت یک صفحه (پیج) یا کانال در پلتفرم‌های مختلف (در حوزه‌هایی نظیر پوشاک، صنایع دستی، مواد غذایی، خدمات آموزشی و مشاوره) هزینه‌های زندگی خود را تأمین می‌کردند. شایان ذکر است بسیاری از این افراد در سال‌های اخیر در مسیر قانونمندی

جهش ۸۰۰ درصدی صادرات دانش بنیان در ۴ سال

صادرات شرکت‌های دانش بنیان در چهار سال اخیر از ۲۹۶ میلیون دلار به بیش از دو میلیارد و ۶۹۰ میلیون دلار رسیده است



کد گمرکی می‌سجد. محصولات با امتیاز بالاتر، به دلیل دشواری در کپی‌برداری، توسط شرکت‌های محدودتری در جهان تولید می‌شوند، تطبیق این شاخص با داده‌های گمرکی نشان می‌دهد که بخش بزرگی از صادرات شرکت‌های دانش بنیان، محصولات با پیچیدگی پایین است. در مقابل، بخش زیادی از واردات دانش بنیان از کالاهایی با پیچیدگی بالا تشکیل شده است. با در نظر گرفتن کالاهای با امتیاز بالاتر از ۵/۵، به عنوان محصولات دانش بنیان، میزان صادرات این محصولات حدود ۵۴۴ میلیون دلار تخمین زده می‌شود که ۲۱ درصد از کل صادرات شرکت‌های دانش بنیان را شامل می‌شود.

📈 **۸۰ درصد تجارت خارجی دانش بنیان‌ها با آسیایی‌ها**

طبق این گزارش، حدود ۸۰ درصد از تجارت خارجی شرکت‌های دانش بنیان با کشورهای آسیایی انجام می‌شود که نیمی از آن با امارات متحده عربی و چین است. با توجه به شرایط تحریمی، به نظر می‌رسد بخش عمده‌ای از تجارت با امارات شامل صادرات مجدد محصولات از مبادی دیگر و واردات مجدد به مقاصد کشورهای غیرآسیایی است. همچنین عمده صادرات به چین نیز مربوط به دوشرکت بزرگ صادراتی در حوزه مواد شیمیایی است.

شرکت آلفابت (مالک گوگل) در حال مذاکره با وزارت جنگ آمریکا برای انعقاد قراردادی است که به پنتاگون اجازه می‌دهد از مدل‌های هوش مصنوعی «جیمینای» در محیط‌های طبقه‌بندی‌شده استفاده کند. این توافق بالقوه به ارتش آمریکا امکان می‌دهد از سیستم‌های هوش مصنوعی گوگل برای طیف گسترده‌ای از کاربردها، از جمله عملیات حساس دولتی، استفاده کند. به گزارش رویترز، گوگل در جریان مذاکرات،



چه در سطح تخصصی، زیرساخت داخلی هنوز با سخگوی کامل و بی‌نقص نیازهای پیچیده تجارت الکترونیک نیست؛ ادعایی که می‌توان آن را با بررسی دقیق آثار ترافیک، پهنای باند و سایر شاخص‌های فنی اثبات کرد.

🔗 **برخی معتقدند از همان ابتدا مفهوم شبکه ملی اطلاعات و**

زیرساخت بومی در افکار عمومی با مفاهیم دافعه‌برانگیزی نظیر «قطع اینترنت بین‌الملل» و «مدل چینی» گره خورد. آیا این نوع فضاسازی‌ها و تبلیغات منفی روی عدم استقبال عمومی و وضعیت فعلی تأثیرگذار بوده است؟

بله، قطعاً این فضاسازی‌ها مؤثر بوده است. تبلیغات سوء و پروپاگاندایی که در این زمینه صورت می‌گیرد، همیشه یکی از عوامل بازدارنده است اما برای درک بهتر اجازه دهید این موضوع را با حوزه دارو و سلامت مقایسه کنیم. حدود دو دهه پیش، ذهنیت عمومی جامعه ما به گونه‌ای بود که اگر بیماری به پزشک مراجعه می‌کرد، معمولاً می‌گفت اگر مشابه خارجی

صادرات شرکت‌های دانش بنیان در سال‌های اخیر، به عنوان پیشران اصلی اقتصاد مبتنی بر فناوری اهمیت چشمگیری یافته است. این شرکت‌ها با تکیه بر دانش تخصصی، نوآوری و فناوری‌های پیشرفته، محصولاتی با ارزش افزوده بالا تولید می‌کنند که توان رقابت در بازارهای جهانی را دارند. توسعه صادرات محصولات دانش بنیان نه تنها موجب افزایش درآمدهای ارزی می‌شود بلکه نقش مهمی در ارتقای برند ملی، انتقال فناوری و ایجاد اشتغال پایدار دارد. حمایت هدفمند، شبکه‌سازی بین‌المللی و شناخت دقیق نیازهای بازارهای خارجی از عوامل کلیدی موفقیت در این حوزه به‌شمار می‌روند.

حالا آمارهای رسمی گمرکی از جهشی بی‌سابقه در تجارت خارجی شرکت‌های دانش بنیان حکایت دارد. میزان صادرات این شرکت‌ها در چهار سال اخیر از ۲۹۶ میلیون دلار به دو میلیارد و ۶۹۰ میلیون دلار رسیده است که رشدی نزدیک به هشت برابری را نشان می‌دهد. در مقابل، واردات نیز با رقم چهار میلیارد و ۴۲۶ میلیون دلاری، اگرچه بیشتر از صادرات است اما کارشناسان معتقدند بخش عمده‌ای از این واردات به «مواد اولیه» اختصاص دارد که در نهایت مانع از خروج ارز برای واردات محصول نهایی می‌شود. با این حال، نگاهی به جزئیات این آمار نشان می‌دهد که «تمرکزگرایی» در صادرات و «پیچیدگی پایین» محصولات، دو چالش جدی پیش روی اکوسیستم دانش بنیان کشور است. بخش عمده‌ای از جهش صادرات شرکت‌های دانش بنیان در چهار سال اخیر مربوط به برخی شرکت‌های بزرگ صادراتی در سال ۱۴۰۲ بوده و کاهش نرخ رشد صادرات در سال ۱۴۰۳ گویای این مسأله است. از طرف دیگر، میزان واردات شرکت‌های دانش بنیان چهار میلیارد و ۴۲۶ میلیون دلار بوده که نشان‌دهنده بهبود تراز تجاری دانش بنیان هاست. البته این آمار مربوط به ۱۵۱۲ شرکت واردکننده و ۴۸۹ شرکت صادرکننده است و سایر شرکت‌ها فعالیت گمرکی نداشته‌اند.

تخمین صادرات محصولات دانش بنیان براساس شاخص پیچیدگی محصول، رقمی معادل ۵۴۴ میلیون دلار (۲۱ درصد از کل صادرات) را در سال ۱۴۰۳ نشان می‌دهد. مقایسه وضعیت شرکت‌ها از رشد ۷ درصدی در میزان صادرات آنها در سال ۱۴۰۲ حکایت دارد که با توجه به سهم بالای شرکت‌های با افزایش صادرات، می‌توان آن را به رشد واقعی صادرات این شرکت‌ها نسبت داد. از طرفی، ۶۵ شرکت دانش بنیان نیز برای نخستین بار تجربه صادرات پیدا کرده‌اند. با این حال تدوین برنامه‌ای حمایتی برای شرکت‌های صادرات اولیه، همچنین رفع موانع شرکت‌هایی که از میزان صادرات آنها کاسته شده است، می‌تواند در

